

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Idiological

مسائل آیدیولوژیک

تتبع و نگارش :

امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »  
مدیر مطالعات ستراتیژیک افغان و مسؤول  
مرکز کلتوری "د حق لاره - جرمنی"

## دین اسلام دین شمشیر نیست لا اکره فی دین

در (قبول و انتخاب) دین هیچگونه اکراه جای ندارد

**ایمان یک عقد، و پیمان و التزام قلبی و درونی است که انسان با اختیار خود آن را می پذیرد!**

بدین اساس دین مقدس اسلام ایمان اجباری را قبول ندارد و پروردگار با عظمت ما، انسان را آزاد گذاشته است تا با تحقیق دین را انتخاب کند. کسانی که انتخاب کننده دین ناحق باشند آنها را کافر و کسانی که قبول کننده دین حق باشند آنها را مؤمن مسمی می کند.

دین مقدس اسلام برای انتخاب دین قاعده و قانون را وضع نموده است که پایه و بنیاد این قانون در (آیه: ۲۵۶) سورة بقره) با ظرافت خاص بیان یافته است:

پروردگار با عظمت ما می فرماید: « لا اکره فی الدین قد تبین الرشد من الغی ... » (الایه) (اجبار و اکراهی در) (قبول دین) نیست، چراکه هدایت و کمال از گمراهی و ضلال مشخص شده است.

### شان نزول آیه :

این آیه در سورة بقره بوده و سورة بقره بعد از هجرت به مدینه آغاز گردیده است. وحی این سوره زمانی آغاز یافت که نظام اسلامی در حال شکل گیری و استحکام بود.

مفسرین میگویند: که این سوره در باره مردی از اهل مدینه و از قبیله بنی سالم بن عوف، در مورد شخصی بنام « حصین »، نازل شده است: قصه طوری است که: « حصین » که خودش مسلمان شده بود، دو پسر داشت که نصرانی بودند و تا هنوز بدین اسلام مشرف نشده بودند.

این مرد داستان را بحضور محمد صلی الله علیه و سلم عرض داشتند که یا رسول الله! آیا میتوانیم آن دو را مجبور به قبولی دین اسلام کنم. چون آنان حاضر نیستند که غیر از نصرانیت دین دیگری را بپذیرند؟! در جواب آیه شریفه « لا اکره فی الدین ... » نازل شد.

همچنان برخی مفسرین در شان نزول این آیه فرموده اند که: مردی از انصار غلامی داشت سیاهپوست بنام « صبیح » میخواستند او را به دین اسلام بزور مجبور سازند. در همین اثنا آیه « لا اکره فی الدین » بر پیامبر محمد صلی الله علیه و سلم نازل شد و به « صبیح » و تمام مسلمانان هدایت داد شد، تا در پذیرش دین کوچکترین اجبار و اکراهی را بر مردم روا ندارند و فرمود: که انسان ها از کمال اختیار و آزادی برخوردار میباشند.

همچنان حضرت عمر رضی الله عنه پیره زن نصرانی را به دین مقدس اسلام دعوت کرد ؛ او در جواب گفت : « انا عجوز کبیره و الموت اقرب الی » یعنی من پیر زن بزرگسالی هستم که مرگم نزدیک شده است ؛ چرا در آخر عمر خود مذهب را رها کنم ؟ حضرت عمر رضی الله عنه بعد از استماع صحبت زن او را بر ایمان آوردن اجبار ننمود ؛ بلکه این آیه شریفه را تلاوت نمود که : « لا اکره فی الدین » یعنی ، در دین اجباری نیست» و در حقیقت بر پذیرش ایمان زور واکراه امکان ندارد.

دین مقدس اسلام ارتباط ایمان را با اعضای ظاهری نداشته ، بلکه ایمان و عدم ایمان را از اموری قرار داده است که ارتباط اساسی به خواست خود انسان و میل و رضایت درونی او دارد. طوری که خداوند متعال میفرماید: « و قل الحق من ربکم فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر » (بگو : حق ( همان چیزی است که ) از سوی پروردگار تان ( آمده ) است ( و من آن را با خود آورده ام و برنامه من و همه مؤمنان است ) پس هرکس که میخواهد ( بدان ) ایمان بیاورد و هرکس می خواهد ( بدان ) کافر شود.) ( الکهف : ۲۹ )

قرآن عظیم الشان محمد صلی الله علیه و سلم را به این حقیقت متوجه ساخته است که بر تو فقط تبلیغ دعوت واجب است و تو نمیتوانی بر مردم به گرویدن به اسلام اجبار کنی . « افا نت تکره الناس حتی یکنوا مؤمنین » ( یونس : آیه ۹۹ ) « آیا تو ( ای پیغمبر ! ) می خواهی مردمان را مجبور سازی که ایمان بیاورند ؟ ( این کار نه صحیح و نه سودمند است و نه از دست تو ساخته است ). و باز در سوره ( الغاشیة ) :

آیه : ۲۲ میفرماید : « لست علیهم بمسیطر » ( تو بر آنان چیره و مسلط نیستی )

همچنان قرآن عظیم الشان در سوره الشوری آیه : ۴۸ میفرماید : « فان عرضوا فماً ارسلناک علیهم حیظاً ان علیک الا البلاغ » ( اگر ( مشرکان از پذیرش دعوت تو ) روی گردان شدند ( باک مدار و غمگین مشو ) چرا که ما تو را به عنوان مراقب و مواظب ایشان نفرستادیم ؛ بر تو پیام باشد و بس .

همچنان قرآن عظیم الشان در ( سوره مزمل آیه : ۱۹ ) میفرماید : « فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلاً » « پس هر کس که بخواهد ( میتواند ) راهی به سوی پروردگارش اتخاذ نماید »

در این آیه متبرکه جمله « من شاء » دلیل بر اختیار و آزادی انسان در انتخاب کفر و ایمان است . « انا هدیناه السبیل إما شاکراً و إما کفوراً » « ما راه را به انسان نشان دادیم ، خواه شکر گزار باشد ( و پذیرا شود ) ، یا ( مخالفت کند و ) کفران نماید .»

در آیات متذکره راه حق و باطل از یکدیگر مشخص شده است و انتخاب هر یک به دست خود انسان است ، او مجبور نیست و در عمل میتواند هر کدام از این راه ها را که بخواهد انتخاب کند ، لیکن اگر راه حق و حقیقت را انتخاب کرد ، به جنت و سعادت ابدی دست می یابد و اگر راه باطل را انتخاب کرد ، به عذاب دردناک ، و جهنم و بدبختی عظیمی گرفتار خواهد شد .

قرآن عظیم الشان در بیش از ( ۱۲۰ ) آیه تاکید نموده است که اسلام بر اساس رضایت قلبی و آموزش محض انتشار یافته است و بعد از عرضه شدن اسلام بر مردم ، برای آنها صلاحیت عام تام داده شده است تا در پذیرش و رد دین آزاد باشند . بنابر همین منطق بزرگ انسانی است که پیامبر محمد صلی الله علیه و سلم بعد از فتح مکه اهل مکه را به حال خود رها کرد و فرمود : « اذهبوا فانتم الطلقاء » : بروید ، شما آزادید و بعد از این فتح عظیم و سرنوشت ساز بر آنان ، کسی را به اسلام مجبور نکرد .

**در تاریخ اسلام اتفاق نیفتاده که مسلمانان حتی یک نفر مسیحی یا یهودی را به جبر و زور به قبولی دین اسلام مجبور کرده باشد .**

دین اسلام یگانه دینی است که آزادی واقعی از قید اسارت و بندگی ، را برای انسان به ارمغان آورده است . اساس این آزادی همه انواع استبداد و خود کامگی را در هم شکسته و بسیاری از قید و بند هایی که در جهان متمدن امروز وجود دارد آنرا از پای بشر باز نموده است .

پروردگار ما پیامبر اسلام را مبعوث ساخت تا مردم را از تمام قید و بند هایی که آنان را اسیر خود ساخته بود رهایی بخشد و تمام غل و زنجیر های استبداد ، هوا پرستی ، بندگی شکم و شهوت ، و ثروت ، مقام و قدرت طلبی را از بین برده ، و بشر را بسوی آزادی واقعی هدایت و رهبری نمود .

علماء و مفسران دین مقدس اسلام آزادی را بدو دسته ( آزادی تکوینی و آزادی تشریحی ) تقسیم بندی نموده اند . **ازادی تکوینی** بدین معنی و مفهوم است که در نظام آفرینش ، انتخاب راه و عقیده جبر و اجبار وجود ندارد . و انسان به حسب خلقش موجودی دارای شعور و اراده بوده ، در انجام و ترک فعل و انتخاب و اختیار خود آزاد است . و در **ازادی تشریحی** ، هیچ کس حق استعلاء و برتری بر دیگری را ندارد ، و هیچ کس حق ندارد دیگری را غلام و برده و مطیع خود بسازد و اراده و عمل او را مالک شود و خواسته ها و یا عقیده خویش را برخلاف میل و رغبت او بر او تحمیل کند ، زیرا در نظام تشریح همه افراد جامعه بدون استثناء از حقوق مساوی برخوردارند و هیچ کسی حق مزیت و برتری را نسبت به دیگری ندارد .

ولی باید تذکر داد که در آزادی تشریحی تکالیف و قوانین شرعی متوجه انسان است و انسان در برابر این قوانین مسؤول است. این بدین معنی است که در آزادی تشریحی آزادی نامحدود نیست، بلکه انسان موظف است در مسیر قانون شرعی و الهی حرکت کند و خروج و سر پیچی از آن، خروج از بندگی الهی است؛ که خروج از بندگی خدا ظلم به خویشتن است. «من یعد حدود الله فقد ظلم نفسه» (کسیکه از حدود الهی تجاوز و سر پیچی کند به خود ظلم را روا داشته است) (طلاق: آیه ۱)

«و من یعص الله و رسوله فقد ضل ضللاً لا یبینا» (احزاب: ۳۶) هر کس که خدا و رسولش را نافرمانی کند، به گمراهی اشکاری گرفتار شده است»

بناءً از نظر اسلام آزادی که خارج از مسیر حق و صراط المستقیم الهی باشد، آزادی نیست؛ بلکه قید و بندی به ظاهر آزادی است، که دین اسلام بسیاری از انسانهای به ظاهر آزاد را برده می‌شمارد؛ بردگانی که اسیر هوای نفس گشته‌اند و طعم شیرین آزادی واقعی را که در پرتو بندگی احکام الهی و سنت پیامبر اسلام حاصل می‌گردد، نچشیده‌اند.

دین اسلام دین موعظه‌حسنة است و این دین به پیروان خویش هدایت می‌فرماید تا در نشر و تبلیغ دین خط مشی حکیمانه را تعقیب نمایند و بر اساس حکمت، گفتار نیک و کردار نیک مردم را به دین اسلام جلب و از جبر و اکراه جلوگیری بعمل آرند. «أدع إلى سبیل ربک بالحکمة و الوعظة الحسنه و جادلهم بالتي هن أحسن» (النحل: ۱۲۵) «ای پیامبر: مردمان را با سخنان استوار و به و اندرزه‌های نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان و با ایشان با شیوه هر چه نیکو تر گفت و گو کن»

بنابر همین سیاست الهی است: که پیامبر اسلام در اولین قانون مدینه، بعد از هجرت قید کرد که یهودیها و مسلمانان باهم مشترک زندگی آرام را تشکیل می‌دهند. و به حق آنان در ماندن به دینشان اعتراف کرد.

دین مقدس اسلام خود را حافظ و نگهبان ادیان آسمانی دانسته و وظیفه خود میداند که به دفاع از این ادیان برخیزد. زیرا تضعیف ادیان گذشته موجب تضعیف دین مقدس اسلام و تضعیف اسلام و هن و سستی سائر ادیان را در پی خواهد داشت. اسلام، مهمترین دلیل، بر سالت حضرت موسی علیه السلام و حضرت عیسی علیه السلام بوده و هست و هر گونه خدشه در اصالت اسلام، موجب خدشه در حقانیت آنان خواهد بود. «ودت طائفة من اهل الکتاب لو یضلونکم و ما یضلون الا انفسهم و ما یشعرون» (گروهی از اهل کتاب، دوسن دارند تا شما را گمراه کنند در حالی که جز خودشان را گمراه نمی‌کنند).

حضرت عمر (رض) خلیفه دوم اسلام مسیحیهای ساکن بیت المقدس را امان داده گفت: «زندگی مسیحیها، کلیساها و صلیبهای آنان در امان هستند به هیچ کس به سبب دینش ضرر نمی‌رسد و بر انجام کاری مجبور نمی‌گردند.»

ولی با تأسف باید گفت که در جهان امروزی ما: برخی از حلقات مذهبی تلاش‌ها و مجاهدات خویش را در تضعیف دین مقدس اسلام براه انداخته‌اند، و به براه انداختن تبلیغات حتی بر قرآن عظیم‌الشان و پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و سلم نیز رحم نه نموده و بطور تمسخر آمیز به چاپ کاریکاتورهای رسول مقبول بشریت مبادرت ورزیدند. و به تادیه پول و امتیازات مادی تلاش می‌ورزند تا مسلمانان را بخصوص مسلمانان کشورهای فقیر اسلامی از جمله در کشور عزیز ما افغانستان مسلمانان را به دین نصرانی جلب نمایند.

ولی آنان با این عمل خویش، خود آگاه به خود ضربه می‌زنند زیرا تضعیف اسلام، به عنوان دینی واقعی و حقیقی که انسان را به سوی خالق مدبر و حکیم دعوت می‌کند، تضعیف همه ادیان بشمار خواهد رفت. ولی ما یقین داریم به جز «و ما یضلون الا انفسهم و ما یشعرون» به این عمل گمراه کننده بجز اینکه خود و نفس‌های خویش را فریب دهند، نتیجه و ثمره دیگری را بدست نخواهند آورد. پایان